

مرجعیت، گلوآرآء و امش وامینیت

حسن ابراهیم زاده

مرجعیت موهبتی است الهی که ریشه در تاریخ اسلام و تشیع دارد. دستور به افتاء از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به برخی از صحابه و یاران، مقوله‌ای است انکارناپذیر که ده‌ها روایت از فرق و مذاهب مختلف اسلام مؤید آن است.

نهاد مرجعیت در طول تاریخ، نهادی مستقل، برخاسته از مردم، با مردم و مورد حمایت همهٔ جانبه مردم بوده و هست. این نهاد نه تنها نهادی موروثی و طبقاتی نبوده و هر کس از هر طبقه و هر قشری پس از گذراندن مراحل علوم متداول حوزوی و احراز صلاحیت علمی و معنوی بر آن دست می‌یازد، بلکه از زاویه‌ای دیگر نوعی انتخاب آزاد از سوی مردم به شمار می‌رود.

در بینش اسلامی مردم آزادند که میان اجتهاد و تقلید یکی را برگزینند و این نخستین گام آزادی در مقوله اجتهاد و تقلید است. آنان که آزادانه تقلید را برمی‌گزینند نیز آزادند که از میان مراجع مطرح در زمان خود، یکی را برگزینند. گستره این آزادی تا بدانجا است که حتی مقلد مخیر است در برخی از فتاوا، که چارچوبهٔ فقه به آن اجازه می‌دهد به فتوای مرجع دیگری غیر از مرجع تقلید خود رجوع کند.

از منظری دیگر، پذیرش مرجعیت از سوی مردم، پذیرشی است خردمندانه؛ چرا که خرد اقتضا می‌کند که هر فرد در صورت نیاز به هر علم و حرفه‌ای به خیره و کارشناس آن رجوع کند و متعبدانه فرامین و نظرات خُبره هر کاری را پذیرا باشد. از سوی دیگر، چنین پذیرشی شالودهٔ زندگی «مدنی» است و مدنیت و زندگی اجتماعی جز بر پایهٔ تقسیم کار و علوم و حرفه‌های گوناگون پابرجا نخواهد بود؛ چرا که عمر کوتاه و گستره علوم چنین اجازه‌ای به فرد نمی‌دهد که در همهٔ علوم و فنون به تبحر برسد. از این رو، فرد مجبور است در بسیاری از علوم و حرفه‌ها به دیگری رجوع کند. پایه‌های مقوله «اجتهاد و تقلید» علاوه بر مستندات دینی و روایی، از نظر عقلی چنان مستحکم و ریشه‌دار است که نیازی به تبیین فلسفه وجودی آن نیست.

آنچه این قلم در پی آن است نقش

برای سرافرازی این نهاد مقدس همین بس، که مراجع تقلیدی همچون شیخ فضل الله جوینده دار را بر به اهتزاز درآوردن بیرق بیگانگان بر بام خود ترجیح داده و هیچ گاه به مردم و ملت خود خیانت نکرده و پای هیچ قرارداد ننگین را امضا نکرده‌اند.

حرکت‌های غرورآفرین نهاد مرجعیت، بویژه در تاریخ معاصر در سازماندهی نظامی بر علیه اشغال‌گران، استعمار و استبدادستیزی، ساماندهی سیاسی، ایجاد مردم‌سالاری دینی، دفاع از استقلال اقتصادی، دفاع از فرهنگ‌ها و سنت‌های اسلامی و بومی و ایجاد امنیت اجتماعی برای آحاد مردم به گونه‌ای است که حتی دشمنان منصف نیز در برابر آن سرتعظیم فرود می‌آورند.

مرجعیت و مبارزه با اشغال‌گران

به دنبال امضای عهدنامه ننگین گلستان و جداسدن بخش‌هایی از سرزمین‌های اسلامی، دولت روس تجاوز خود را به سایر مناطق کشور ایران آغاز کرد و درصدد برآمد تا تبریز و شهرهای دیگر شمالی کشور را از ایران جدا کند. در این جا بود که مراجع و علماء مردم را به دفاع از سرزمین ایران ترغیب نمودند.

بخشی از فتوای جهاد آیت‌الله سید علی طباطبایی چنین است: «... عموم مکلفان و مسلمانان، خواه دور از مرزها باشند یا مرز نشین، به کفّار نزدیک باشند یا دور، که موافق حکم الهی و شرع حضرت رسالت پناه به جدّ و جهد تمام به اندازه توانایی و قدرت به دفع کفّار لثیم بپردازند و واجبی را که تمام واجبات و مستحبات بسته به آن است، متروک نسازند...»^(۱)

فرازی از فتوای آیت الله کاشف الغطا در این مقطع زمانی نیز چنین است:

«... ای اهل ایران، از عراق و فارس و آذربایجان و خراسان آماده شوید به جهاد کفّار لثیم و برآورید تیغ‌ها از نیام برای حفظ کیان اسلام؛ و درآیید در مسلک یاوران پروردگار ملک عالم و جهاد کنید به دفع کفّار، از شریعت سید انام - علیه و آله الصلوة و السلام - و طریق المؤمنین و سیدالوصیین علیهم السلام»^(۲)

در این مقطع زمانی حضرت آیت‌الله

مجاهد، که به همراه آیت‌الله محمدجعفر استرآبادی، شهید مولی محمدتقی برغانی، میرزا عبدالوهاب قزوینی و ملا احمد تراقی لباس رزم به تن کرده بود و در صفوف مدافعان ایران زمین در جبهه حضور داشت، فتوایی چنین صادر کرد:

«هنگامی که دشمنان کافر بر مسلمانان حمله‌ور شوند و سرزمین‌های اسلامی را برای فتح و تسخیر و سلطه یافتن زیر پا نهند، بر مسلمانان جهاد با آنان و دفع آنان و حفظ ساحت اسلام واجب است.»^(۳)

فتوای فقها و مراجع شیعی تنها در مورد دفاع از سرزمین‌های شیعه‌نشین در مقابل متجاوزین محدود نمی‌شود. در هنگام حمله ارتش فاشیست ایتالیا به لیبی، آخوند خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و شریعت اصفهانی در سال ۱۳۳۹ ق فتوایی صادر کرده‌اند که بخشی از آن چنین است:

«... اکنون ارتش ایتالیا، طرابلس را اشغال کرده، مناطق مسکونی را از میان برده و مردان و زنان و کودکان را کشته است. وظیفهٔ جهاد خود را در راه خدا انجام دهید و متحد گردید و از صرف مال خود در این راه دریغ نورزید.»^(۴)

آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی نیز فتوایی بدین مضمون صادر کرد: «واجب است مسلمانان به دفاع از طرابلس در مقابل ایتالیا و از ایران در قبال روس بپردازند.»^(۵)

در پی اشغال بوشهر توسط نیروهای اشغال‌گر و حرکت دو هزار نیروی انگلیسی به سوی لارستان، آیت‌الله سید عبدالحسین لاری فتوایی را صادر کرد که به حرکت مردمی بر علیه این نیروها و وادار کردن آنان به عقب‌نشینی از سرزمین‌های ایران انجامید. بخشی از این فتوا چنین است:

«... حسب الاحکام ملک عالم و حجج اسلام و امام علیه السلام و الامقام و محکّمات قرآن «یا ایّها النبی جاهد الکفار و المنافقین»، «ومن یتولهم منکم فانه منهم» اعلان به هر جا و هر کس از فرق شش‌صد کرور مسلمین داخله و خارجه، حتی بر حبیبان و نسوان، واجب فوری است جهاد و دفاع در برابر این کفار و اعوان این کفار.»^(۶)



مرجعیت و مبارزه با استعمار خارجی

انگلستان، که به بهانه حمایت از کمپانی هند شرقی نیروهای خود را به هندوستان گسیل و آن سرزمین را به مستعمره خود تبدیل کرد، پس از قرارداد تالبوت که شاه امتیاز انحصار توتون و تنباکو را به مدت پنجاه سال به شرکت انگلیسی تالبوت سپرد، دویست هزار نیرو را وارد ایران نمود و با ایجاد مراکز فساد، ساختن کلیسا و تأسیس محله‌های فرنگی‌نشین بر آن بود تا ایران را نیز به بهانه حمایت از شرکت انگلیسی تالبوت به سرنوشته هندوستان دچار سازد. علمای بسیاری

مبارزه با امام زمان - صلوات الله و سلامه علیه - است.» (۷)

پس از اشغال عراق توسط انگلیس و ملحق کردن این سرزمین به مستعمرات خود، علما و مراجع در گام نخست بر آن شدند تا با استفاده از راه کارهای مسالمت آمیز و قانونی عراق را از حلقوم انگلیس بیرون کنند. این حرکت مراجع و علما به تبعید برخی از علما و فرزندان مراجع چون محمدرضا شیرازی فرزند آیت الله شیرازی به هندوستان منجر شد. دو فتوای مراجع تقلید وقت، مجوز رسمی برای آغاز نهضت مسلحانه مردم عراق بر علیه استعمارگران انگلیسی را

«... بر همه ما واجب و لازم است که سرزمین عراق را که مشاهده ائمه علیهم السلام و مراکز دینی ما در آن جا است از تسلط کفار حفظ نموده و از نوامیس دینی آن دفاع کنیم. من شما را بر این موضوع دعوت کرده، ترغیب می‌نمایم. خداوند ما و شما را برای خدمت به اسلام و مسلمین موفق فرماید.» (۹)

مرجعیت و مبارزه با استبداد داخلی

مبارزه مرجعیت با استبداد داخلی در تاریخ معاصر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، نهاد مرجعیت در این دوران، همواره به عنوان پناهگاه محرومان و مستضعفان

جبار و دفاع از نفوس و اعراض و اموال مسلمین از اهم واجبات و دادن مالیات به گم‌اشنگان او از اعظم محرمات است.» (۱۰)

حضرت آیت الله سید عبدالحسین موسوی لاری نیز در خصوص انحلال استبداد داخلی چنین فتوا می‌دهد: «واجب است تبدیل سلطنت امویة قاجاریه به دولت حقه اسلامی» (۱۱)

هنگام حاکمیت انگلیس ها در عراق، مرجعیت شیعی در راستای ساماندهی سیاسی و نامشروع دانستن عوامل مرتبط به بیگانگان فتاوی صادر کردند. یکی از این فتاوا، فتوای آیت الله محمد مهدی خالصی است. متن بسیار کوتاه این فتوا چنین بود:

«داخل شدن در پست های دولتی حرام است و به مثابه همکاری با کافران می باشد.» (۱۲)

حرکت ضد استبدادی و ضد دیکتاتوری مرجعیت شیعی تا بدانجا بود که شهید محمد باقر صدر در اقدامی شجاعانه، که سرانجام جان خود را نیز بر سر حرکت های ضد استبدادی خود از دست داد، فتوای حرمت وارد شدن به حزب بعث را صادر کرد:

«بسم الله الرحمن الرحيم. به اطلاع عموم مسلمانان می‌رساند که پیوستن به حزب بعث تحت هر عنوانی شرعاً حرام است و هرگونه همکاری با آن به منزله یاری ظالم و کافر و دشمنی با اسلام و مسلمین است.» (۱۳)

ادامه دارد...

پی‌نوشت‌ها
۳۰۱. سید حمید میرخندان، سید محمد مجاهد، پشاهنگ جهاد، ص ۹۷-۹۵ / ص ۹۹
۳۰۲. محمد اصغری نژاد، میرزا محمد تقی شیرازی، سروش استقلال، ص ۶۱ / ص ۶۲
۳۰۳. سید علی رضا سیدکباری، سید عبدالحسین لاری، پیشروی تنگستان، ص ۸۴
۳۰۴. سید ابوالحسن مطلی، نور علم، دوره چهارم، شماره هفتم و هشتم
۳۰۵. محمد اصغری نژاد، میرزا محمد تقی شیرازی، سروش استقلال، ص ۹۷
۳۰۶. محمد اصغری نژاد، سید ابوالحسن اصفهانی، شکوه مرجعیت، ص ۸۱
۳۰۷. محمد رضا سماک امینی، آخوند خراسانی، آفتاب نیمه شب، ص ۷۰
۳۰۸. سید علی رضا سیدکباری، سید عبدالحسین لاری، پیشروی تنگستان، ص ۸۴
۳۰۹. محمد اصغری نژاد، محمد مهدی خالصی، خصم استعمار، ص ۱۰۰
۳۱۰. حسن ابراهیم زاده و محمد عابدی، پیکار با منکر، ص ۲۰۷

و کسانی بوده است که مورد ستم دولتمردان دولت‌های جور قرار می‌گرفتند. عدم کفایت سیاسی شاهان قاجار، از دست رفتن مناطقی از ایران زمین، ظلم و جور خوانین وابسته به قاجار و تلاش برای سرکوب مشروطیت در ایران از سوی محمد علی شاه، موجب صدور فتوای مرجع بزرگ آخوند خراسانی، به همراه دو مرجع تقلید دیگر شیعیان و در نتیجه رویگردانی مردم از سلسله قاجار می‌شود. فتوای این مراجع بزرگ چنین است:

«به عموم ملت حکم خدا را اعلام می‌داریم: اليوم، همت در دفع این سفاک

صادر و به بیرون کردن آن‌ها انجامید. فتوای میرزا محمد تقی شیرازی چنین است: «مطالبه حقوق بر عراقیان واجب است و بر آنان است در ضمن درخواست‌های خویش، رعایت آرامش و امنیت را بنمایند و در صورتی که انگلستان از پذیرش درخواست‌هایشان خودداری ورزد، جایز است به قوه دفاعی متوسل شوند.» (۸)

بخشی از فتوای سید ابوالحسن اصفهانی در این خصوص نیز چنین است:

چون مجاهد سید علی اکبر فال اسیری در شیراز و میرزا جواد مجتهد تبریزی در آذربایجان و حاج شیخ محمد تقی (آقا نجفی) و شیخ محمد علی و ملا باقر فشارکی، در برابر قرارداد شاه ایستادند که شاه توسط عقال خود به تبعید علما پرداخت.

میرزای شیرازی مرجع تقلید وقت شیعیان جهان با یک سطر سرزمین ایران را از حلقوم استعمار پیر انگلیس بیرون کشید. متن آن فتوا چنین بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم. اليوم استعمال تنباکو و توتون، بای نحو کان، در حکم

